

نویسنده: ستیفن سیمون «Steven Simon».

منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2025-12-15».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».



**آیا یک عملیات مخفیانه باعث کشته شدن ۳ آمریکایی
در سوریه شد**

Did mission creep kill 3 Americans in Syria?

چگونه اهداف حل نشده آمریکا در سوریه، نیروهای گارد ملی را در
خط آتش قرار داد

***How the US's unresolved objectives in Syria put National
Guard troops in the line of fire***

کشته شدند؟

دلیل اول این است که ایالات متحده نزدیک به یک دهه است که در سوریه حضور
نظامی دارد و این حضور به عنوان بخشی از تلاش بین‌المللی برای ریشه‌کن کردن داعش
از عراق و سوریه یا D-ISIS بوده است. تعداد نیروها در سوریه در طول سال‌ها فراز و

نشیب داشته و از حدود ۹۰۰ نفر در اوایل این کمپین به ۲۰۰۰ نفر در دوران دولت بایدن رسیده است.

مقامات دولت‌های مختلف، جدا از شکار داعش، طیف وسیعی از مأموریت‌ها را مورد بحث قرار داده‌اند. اولین مأموریت، مسدود کردن کریدور زمینی بدنام و متصل‌کننده عراق به لبنان بود که از طریق آن ایران تدارکات را به نیروهای نیابتی خود در سوریه و حزب‌الله در لبنان می‌رساند. این مأموریت که عمدتاً از تأسیسات ایالات متحده در جنوب شرقی سوریه انجام می‌شد، با فروپاشی رژیم اسد و از دست دادن دسترسی ایران به سوریه به دلیل خصومت رژیم جدید در دمشق، اهمیت خود را از دست داد. دلیل دیگر، تضعیف رژیم اسد با اعمال کنترل فیزیکی بر میدانی نفتی و تقویت خودمختاری کردها در شمال شرقی بود. اخیراً، دولت جدید سوریه رسماً به کمپین D-ISIS پیوست و سازوکاری برای هماهنگی مشارکت آن در برنامه‌ها و عملیات‌های جاری D-ISIS در داخل سوریه ایجاد شد. بنابراین، مقامات نظامی و امنیتی سوریه و آمریکا مستقیماً با هم در تماس بودند.

آمریکایی‌ها در جریان جلسه‌ای بین پرسنل آمریکایی و سوری توسط یک شبه نظامی اسلام‌گرا کشته شدند. چرا آنها از گارد ملی و نه از نیروهای منظم آموزش‌دیده انتخاب شده بودند؟ احتمالاً به این دلیل که نیروهای منظم ایالات متحده ضعیف هستند و در ماه‌های اخیر، وضعیت امنیتی نسبتاً آرام بوده است. بنابراین، برای انجام وظایف نظامی معمول و واگذاری عملیات‌های با شدت بالا، مانند یورش‌ها یا مأموریت‌های شناسایی پرخطر یا گشت‌زنی‌های تهاجمی به نیروهای ویژه، فرمانده منطقه‌ای یک واحد گارد ملی را انتخاب یا با آن موافقت کرد. همچنین ممکن است که پرسنل گارد ملی چنین عملیاتی باشند، اما سایت ردیت گارد ملی این را نشان نمی‌دهد. این دلیل اصلی کشته شدن آمریکایی‌ها است.

از دیدگاهی نسبتاً بالاتر، آنها به دلیل ترکیبی از منافع استراتژیک، همانطور که توسط دولت ترامپ پیش‌بینی شده بود، و سیاست سوریه پس از خروج از دوران اسد کشته شدند. هنگامی که احمد الشرع، رئیس جمهور موقت سوریه، نیروهای ائتلاف هیئت تحریر الشام (HTS) را از سرزمین مادری خود، استان ادلب در شمال غربی سوریه، رهبری کرد، در بهترین حالت، او اولین نفر در میان افراد برابر بود. ائتلاف او شاید شامل ۱۲۰ گروه کوچک‌تر با سلاح‌ها، جنگجویان و منافع مالی خاص خود بود. این گروه‌ها الشرع را به عنوان رهبر سیاسی خود انتخاب کردند، اما به او یا HTS اقتدار قهری اعطا نکردند. این گروه‌ها منافع و اهداف ریشه‌دار خود را داشتند و با انتخاب الشرع، قصد رها کردن آنها را نداشتند.

با یادآوری اینکه جنبشی که در دسامبر ۲۰۲۴ از ادلب بیرون آمد، اسلام‌گرا بود و توسط یک جنگ داخلی وحشیانه که آنها به عنوان جهادی انجام دادند، شکل گرفته بود، و با توجه به انزوا و کوتاه‌بینی آنها در کشوری که از قبل از جهان جدا شده بود، ترجیح آنها برای یک دولت اسلامی کاملاً محافظه‌کار و بیگانه‌ستیز نباید جای تعجب داشته باشد. با

این حال، رهبری که آنها انتخاب کرده‌اند، در رابطه با این دیدگاه، به شیوه‌های عمیقاً متجاوزانه‌ای عمل کرده است.

تسلیم شدن به رئیس‌جمهور ایالات متحده در کاخ سفید به عنوان یک التماس‌کننده، مذاکره مستقیم با اسرائیل و صحبت در مورد احتمال عادی‌سازی روابط حتی در حالی که اسرائیل سرزمین سوریه را اشغال کرده بود، و عدم سرکوب اقلیت‌های دگراندیش در سوریه؛ همه این موارد، سوالاتی را در مورد حکومت‌الشرع در نگاه جهادگرایان ایجاد می‌کند. این واقعیت که ارتش جدید - ارتش قدیمی تقریباً بلافاصله منحل شده بود - و سرویس‌های امنیتی اکنون از شبه‌نظامیان اسلام‌گرا از ادلب تشکیل شده‌اند، توضیح می‌دهد که چگونه و چرا آنها توسط جنگجویان سرسختی که از جهتی که‌الشرع سعی در پیشبرد کشور دارد، بیش از حد عصبانی هستند، نفوذ کرده‌اند. به همین دلیل است که قاتل در آن روز سرنوشت‌ساز با مسلسل روی پشت بام پالمیرا بود.

در مورد نقش استراتژی دولت در ورود آن پرسنل گارد ملی در خط‌دید از پشت بام: ایالات متحده هرگز به سوریه اهمیت زیادی نداده است، مگر به خاطر نقش محوری‌اش در روند صلح اعراب و اسرائیل در دوران گذشته. سوریه در طول جنگ سرد در جبهه دشمن بود و قبل از آن تحت قیمومیت فرانسه بود. درست است که دولت اواما برنامه گسترده‌ای را برای مسلح کردن و آموزش مخالفان بشار اسد آغاز کرد، اما این برنامه در دوران ترامپ که در سال ۲۰۱۷ آن را تعطیل کرد، به تدریج متوقف شد. ترامپ در رسانه‌های اجتماعی اظهار داشت که مشکلات سوریه، مشکلات آمریکا نیست. او همچنین به دنبال کاهش نیروهای آمریکایی در سوریه بوده است، اما پنتاگون حتی پس از آنکه ترامپ، وزیر دفاع خود، جیم متیس، را به دلیل اصرار اخیرش بر حفظ نیروها در سوریه اخراج کرد، متقاعد نشد. دیدگاه ترامپ، این باور در واشنگتن را که یک سوریه متحد و باثبات از نوع مانورهای غارتگرانه در یک کشور ضعیف جلوگیری می‌کند رد کرد؛ مانورهای ممکن است برای کل منطقه بی‌ثبات‌کننده باشد.

ابراز علاقه دونالد ترامپ به محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، باعث شد تا او از شک و تردید خود در مورد دخالت ایالات متحده در سوریه دست بردارد. ولیعهد، سوریه را در حوزه نفوذ پادشاهی خود می‌داند و از روابط قابل توجه ترکیه با‌الشرع و نفوذ آن در سوریه ناراضی است. بنابراین، او در ازای دریافت اسلحه و مقدار زیادی پول برای خانواده‌اش، ترامپ را به خدمت گرفت تا موضع ایالات متحده در مورد سوریه را تغییر دهد، تحریم‌ها علیه سوریه را به حالت تعلیق در آورد و در نهایت لغو کند تا سعودی‌ها و دیگران بتوانند سرمایه‌گذاری کنند و از اصرار بحث‌برانگیز و بالقوه انفجاری‌الشرع بر حکومت متمرکز حمایت کنند.

این تغییر سرنوشت، پیامدهایی برای کمپین دفع داعش داشت که احتمالاً دولت هنوز در حال کار بر روی آن است. انتظار می‌رفت که حداقل برخی از تندروهای اسلام‌گرا در

سوریه به دنبال دفع داعش باشند و می‌دانستند که - تا جایی که الشرع اکنون مرد و اشنگتن بود - کمپین دفع داعش، کمپین بقای الشرع نیز بود. همگرایی این عوامل در پالمیرا منجر به کشته شدن نیروهای گارد ملی شد که وظیفه حفاظت از تیم آمریکایی را که قرار بود در آن روز غم‌انگیز با همتایان سوری خود در این شهر صحرایی دیدار کنند، بر عهده داشتند. این اصلاً یک ماموریت مخفیانه نبود، بلکه فقط یک ماموریت بود.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

استیون سایمون

استیون سایمون، عضو برجسته و مدرس مدعو در کالج دارتموث و پژوهشگر ارشد در موسسه کوئینسی برای دولت‌مردی مسئولانه است. او به عنوان مدیر ارشد شورای امنیت ملی برای مبارزه با تروریسم در کاخ سفید کلینتون و مدیر خاورمیانه و شمال آفریقا در کاخ سفید او باما خدمت کرده است. او نویسنده کتاب "توهم بزرگ : ظهور و سقوط جاه‌طلبی آمریکایی در خاورمیانه" (2023) است.

----- **با تقدیم احترامات** «2025-12-20»

The views expressed by authors on Responsible Statecraft do not necessarily reflect those of the Quincy Institute or its
